

## *The Status of Happiness and its Association with Demographic Variables among the Paramedical Students*

Hasan Siamian<sup>1</sup>,  
Ommol Banin Naeimi<sup>2</sup>,  
Afsaneh Shahrabi<sup>3</sup>,  
Ramzan Hasanzadeh<sup>4</sup>,  
Mohammad Reza Abazari<sup>5</sup>,  
Mohammad Khademloo<sup>6</sup>,  
Maryam Javadian Koutenaee<sup>7</sup>

<sup>1</sup> Department of Health Information Technology, Faculty of Paramedical Sciences, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

<sup>2</sup> Faculty of Paramedical Sciences, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

<sup>3</sup> Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

<sup>4</sup> Department of Psychology, Islamic Azad University, Sari, Iran

<sup>5</sup> Department of Library and Information Science, Islamic Azad University, Qom, Iran

<sup>6</sup> Department of Social Medicine, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

<sup>7</sup> Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

(Received September 10, 2011 ; Accepted November 26, 2011)

### **Abstract**

**Background and purpose:** In recent years, along with the development of positive psychology, happiness has been the basic pivot of the studies conducted in this area. Due to the importance of happiness in all dimensions of life, the present study aimed at determining the status of happiness among paramedical students.

**Materials and methods:** This descriptive study was conducted on 320 paramedical students who were selected through simple random sampling. The data were collected using Oxford Happiness Inventory.

**Results:** Overall, no significant relationship was found between happiness score and gender ( $P=0.05$ ). Findings showed that the statements related to self-esteem and satisfaction factors were just significant in relation to the students' major ( $P<0.05$ ) and the statements of welfare factor were significant in terms of educational level and major ( $P<0.05$ ). Other statements of the inventory were found to be significantly different in terms of demographic variables ( $P>0.05$ ).

**Conclusion:** Findings of the study showed that happiness of the students depends on their major and level of education, while other variables, namely, age, gender, and marital status had no significant relationship with the happiness.

**Key words:** Happiness, students, universities, psychology

J Mazand Univ Med Sci 2012; 22(86): 159-166 (Persian).

## بررسی وضعیت شادکامی و ارتباط با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانشجویان پیراپزشکی

حسن صیامیان<sup>۱</sup>  
ام البنین نعیمی<sup>۲</sup>  
افسانه شهرابی<sup>۳</sup>  
رمضان حسن زاده<sup>۴</sup>  
محمد رضا ابادری<sup>۵</sup>  
محمد خادم‌لو<sup>۶</sup>  
مریم جوادیان کوتنائی<sup>۷</sup>

### چکیده

**سابقه و هدف:** در سال‌های اخیر با گسترش روان‌شناسی مثبت‌نگر، مطالعه شادکامی محور اساسی پژوهش‌های این حیطه بوده است. نظر به اهمیت شایان شادابی در کلیه ابعاد زندگی، تحقیق حاضر با هدف شناسایی وضعیت شادکامی دانشجویان پیراپزشکی انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** این مطالعه توصیفی بر روی ۳۲۰ نفر از دانشجویان پیراپزشکی که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام شد. اطلاعات توسط پرسشنامه شادکامی آکسفورد جمع‌آوری گردید.

**یافته‌ها:** به طور کلی رابطه معنی‌دار بین نمره شادکامی و جنسیت وجود نداشت ( $p=0/05$ ). گزاره‌های عامل "حرمت خود" و "رضایت خاطر" تنها بر طبق رشته تحصیلی معنی‌دار بود ( $p<0/05$ ) و همچنین گزاره‌های عامل "بهبودی فاعلی" بر حسب مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی معنی‌دار بود ( $p<0/05$ ). سایر گزاره‌های پرسشنامه آکسفورد بر حسب متغیرهای دموگرافیک اختلاف معنی‌داری نداشت ( $p>0/05$ ).

**استنتاج:** یافته‌های تحقیق نشان داد که شادکامی دانشجویان به رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی بستگی دارد و متغیرهای سن، جنس و وضعیت تاهل ارتباط معنی‌داری با شادکامی نداشتند.

**واژه‌های کلیدی:** شادکامی، دانشجویان، دانشگاه‌ها، روانشناسی

### مقدمه

ازدواج یا کار) و احساسات هیجانی اخیر خود در رابطه با آنچه برای شان رخ داده است (هیجان‌ات خوشایند که از ارزیابی‌های مثبت تجربیات فردی ناشی می‌شود) را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند(۱).

شادکامی، نام علمی ارزیابی افراد از زندگی شان می‌باشد. افراد زندگی شان را به صورت قضاوت کلی (مانند رضایت مندی از زندگی یا احساس خرسندی) یا به صورت ارزیابی از حیطه‌های خاص زندگی شان (مانند

**مؤلف مسئول:** مریم جوادیان کوتنائی - ساری: میدان معلم، ساختمان شماره ۲ دانشگاه علوم پزشکی مازندران، معاونت تحقیقات و فناوری E-mail: maryamjavadian2003@gmail.com

۱. گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲. دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۳. دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۴. گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۵. گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۶. گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۷. دانشگاه علوم پزشکی مازندران

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۹ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۹۰/۷/۱۷ تاریخ تصویب: ۹۰/۹/۵

شادکامی موهبتی است که باید آن را جستجو کرد و یافت و غنیمت شمرد. Brebener شادکامی را متغیری می‌داند که پایه شخصیتی دارد (۲).

شادکامی چندین جزء اساسی را در بر می‌گیرد؛ جزء هیجانی که فرد شادکام از نظر خلقی، شاد و خوشحال است. جزء اجتماعی، که فرد شادکام از روابط اجتماعی خوبی با دیگران برخوردار است و می‌تواند از آن‌ها حمایت اجتماعی دریافت کند و سرانجام جزء شناختی، که باعث می‌شود فرد شادکام اطلاعات را به روش خاصی پردازش کرده، مورد تعبیر و تفسیر قرار دهد که در نهایت، باعث احساس شادی و خوشبینی در وی می‌گردد. از این رو، در شادکامی، ارزشیابی افراد از خود و زندگی شان می‌تواند، جنبه‌های شناختی، مثل قضاوت در مورد خشنودی از زندگی و یا جنبه‌های هیجانی از جمله خلق یا عواطف، در واکنش به رویدادهای زندگی را در برگیرد (۳،۴).

به نظر Argyle سه جز اساسی شادکامی عبارتند از هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان منفی از جمله افسردگی و اضطراب. او و همکارانش دریافتند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی، دوست داشتن دیگران و طبیعت نیز، از اجزاء شادکامی هستند. یکی از موضوعات مرتبط با شادکامی وجود شبکه حمایتی است به این دلیل Myers و Diener می‌گویند وقتی از مردم پرسیده شود که فرد شادکام چه کسی است در پاسخ به شبکه‌ای حمایتی از روابط در یک فرهنگ اشاره می‌کنند که به تفسیری مثبت و خوشبینانه از رویدادهای روزمره زندگی می‌انجامد. بنابراین یکی از اجزای مهم شادکامی، جزء شناختی آن است (۳). Strack و همکاران باور دارند که افراد شادکام کسانی هستند که اطلاعات را به گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آن‌ها می‌انجامد (۵،۶).

پژوهش‌های روانشناختی انجام شده در مورد شادی چندان زیاد نیست لکن در چند دهه اخیر علاقه بسیاری از محققان و نویسندگان به سوی لذت، شادکامی و

رضایت از زندگی معطوف شده است (۷).

یافته‌های یک پژوهش در دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد نشان داد که میزان درآمد، وضعیت تأهل و رشته تحصیلی بر شادکامی دانشجویان مؤثر است و سن، جنسیت و بومی یا غیربومی بودن، تأثیری در شادکامی دانشجویان ندارد (۸).

پژوهش‌ها درباره عوامل مؤثر بر شادمانی در دهه ۱۹۸۰ تا آنجا پیش رفت که کاسن و مک تری مدعی کشف ژن شادی شدند. این دو روانشناس شادمانی را عمدتاً به برونگرایی و ثبات هیجانی مرتبط دانستند و از آنجا که این ویژگی‌های تشخیصی نیز تا حد زیادی مبنای ژنتیک دارند ادعای فوق مطرح شد (۷).

شادکامی، زمانی پیچیده‌تر می‌گردد که این موضوع را وارد یک چارچوب فرهنگی کنیم. از میان عوامل گوناگون و نقش آن‌ها در شادی و بهزیستی، نقش فرهنگ قابل توجه است. شادکامی به گونه‌های مختلف در هر فرهنگ (فردگرا و جمع‌گرا) مفهوم‌سازی شده است و همبسته‌های آنان نیز متفاوت می‌باشد. در جوامع فردگرا، فرد آزاد است ولی در جوامع جمع‌گرا تأکید بیشتر روی اهمیت گروه و روابط اجتماعی می‌باشد (۹).

در تحقیق دیگری که توسط آرجایل و همکارانش در مورد تعریف شادکامی صورت گرفت، مشخص شد که هنگامی که از مردم پرسیده می‌شود: شادکامی چیست؟ آن‌ها دو نوع پاسخ را مطرح می‌کنند: اول این که ممکن است حالات هیجانی مثبت (مانند لذت) را عنوان کنند و دوم، آن را راضی بودن از زندگی به طور کلی و یا در بیشتر جنبه‌های آن بدانند (۱۰).

در سال‌های اخیر با گسترش روان‌شناسی مثبت‌نگر، مطالعه شادکامی محور اساسی پژوهش‌های این حیطه بوده است (۱۱) نظر به اهمیت شایان شادابی در کلیه ابعاد زندگی، تحقیقات زیادی در خصوص تأثیر عوامل مختلف بر روی شادکامی اقشار مختلف جامعه انجام شد که چند نمونه آن در بالا آمده است.

گانه، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد که دامنه آن از صفر تا ۸۷ است (۱۳-۱۵).

Gambrill و Richey پایایی آزمون را به روش پیش آزمون و پس آزمون ۸۱ درصد به دست آوردند (۱۶). در ایران نیز توسط علی پور و نوربالا (۱۰) و علی پور و آگاه هریس (۱۵) اعتبار مطلوبی برای آن گزارش شده است، به طوری که ضریب پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ، تنصیف و بازآزمایی به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۹۲ و ۰/۷۹ بوده است (۱۷).

نحوه اجرای تحقیق بدین صورت بود که پرسشنامه بین تمام دانشجویان نیمسال اول ۹۰-۱۳۸۹ دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۳۸۹ (که در کلاس‌های درس حضور داشتند) توزیع گردید. بر اساس راهنمای پرسشنامه از آزمودنی‌ها خواسته شد تا هر یک از گزاره‌های آزمون را با دقت بخوانند و جمله‌ای را که بهتر از همه بیانگر احساس آن‌ها در روزهای اخیر است انتخاب کنند.

سطح شادکامی در چهار سطح دسته‌بندی شد. آزمودنی‌هایی که نمره کل پرسشنامه شان ۰ تا ۲۵ بود ضعیف، ۲۶ تا ۵۰ متوسط، ۵۱ تا ۷۵ خوب و ۷۶ تا ۱۰۰ عالی محسوب گردید.

همچنین پرسشنامه در پنج گزاره عاملی دسته‌بندی شده‌اند: گزاره‌های عامل ۱ که با مولفه رضایت زندگی و با سوالات شماره ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۲۴ و ۲۶، گزاره‌های عامل ۲ که با مولفه حرمت خود و با سوالات ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۱ و ۲۳، گزاره‌های عامل ۳ که با مولفه بهزیستی فاعلی و با سوالات ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۹، گزاره عامل ۴ با مولفه رضایت خاطر و با سوالات ۷، ۹، ۱۷ و ۲۳ و نهایتاً گزاره عامل ۵ با مولفه خلق مثبت و با سوالات ۲۲، ۲۷ و ۲۸ مشخص شدند. داده‌ها پس از جمع‌آوری به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۷ آنالیز و آزمون آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

در واقع یکی از مسائلی که در دنیای امروز توجه زیادی را به خود جلب کرده است، بحث احساس سرزنده بودن است که با شادکامی ارتباط نزدیکی دارد و به عنوان یکی از تجارب مهم انسانی به حساب می‌آید. Bostic در سال ۲۰۰۳، سرزندگی را به عنوان تجارب درونی سرشار از انرژی معرفی کرده است. او سرزندگی را به عنوان انرژی سرچشمه گرفته از خود می‌داند. این انرژی از منابع درونی و نه از تهدید اشخاص در محیط سرچشمه می‌گیرد (۱۲). به عبارت دیگر سرزندگی احساس سرزنده بودن است که تحریک و اجباری به انجام آن نیست. مفهوم و یا هدف از شادمانی همان خوشایند بودن است. شادمانی عاطفه مطلوبی است که هنوز مشخص نشده که جهت‌گیری انگیزشی خود فرد در آن دخیل باشد.

با عنایت به این که دانشجویان به عنوان آینده‌سازان کشور می‌باشند، شادابی و شادکامی‌شان می‌تواند تاثیر به‌سزایی در کلیه ابعاد و سطوح جامعه داشته باشد. لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی وضعیت شادکامی دانشجویان پیراپزشکی انجام شد.

## مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر یک مطالعه توصیفی است. جامعه آماری را دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در نیمسال اول تحصیلی ۹۰-۸۹ تشکیل دادند. انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود که با استفاده از فرمول حجم نمونه ۳۲۰ آزمودنی مورد بررسی قرار گرفتند. برای اندازه‌گیری شادکامی، از ابزار فهرست شادکامی آکسفورد<sup>۱</sup> که توسط Argyle تجدید نظر شده و توسط Carr نقل شده بود، استفاده گردید. این پرسشنامه از ۲۹ گزاره چهارگزینه‌ای که به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود تشکیل شده است. جمع نمره‌های گزاره‌های ۲۹

1. Oxford Happiness Inventory

## یافته ها

جدول شماره ۲: میزان شادکامی براساس سطوح مختلف

سطح شادکامی	فراوانی (درصد)
ضعیف (۰-۲۵)	۳۲ (۱۰)
متوسط (۲۶-۵۰)	۱۹۱ (۵۹/۵)
خوب (۵۱-۷۵)	۹۱ (۲۸/۴)
عالی (۷۶-۱۰۰)	۶ (۱/۹)
جمع	۳۲۰ (۱۰۰)

یافته‌های پژوهش از بررسی چهار گزاره‌ای عامل ۱ (رضایت از زندگی) برحسب جنس، سن، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، محل سکونت، وضعیت تاهل معنی‌دار نبود. اما گزاره‌های عامل ۲ (حرمت خود) از میان تمامی گزینه‌های فوق تنها برطبق رشته تحصیلی معنی‌دار بود ( $p=0/001$ ) و همچنین گزاره‌های عامل ۳ که با مولفه (بهبودی فاعلی) مشخص گردید برحسب مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی به ترتیب با  $p=0/004$  و  $p=0/001$  معنی‌دار بود و گزاره‌های عامل ۴ که رضایت خاطر را بررسی کرده براساس هیچ‌یک از گزینه‌ها، ارتباط معنی‌داری را نشان نداد و گزاره عامل ۵ (خلق مثبت) برحسب مقطع تحصیلی ( $p=0/037$ ) و رشته تحصیلی ( $p=0/03$ ) معنی‌دار بود.

## بحث

نتایج مطالعه نشان داد که رابطه معنی‌داری بین شادکامی و جنسیت وجود ندارد. چنین نتیجه‌ای با یافته‌های پژوهشگران دیگر از جمله Koivumaa-Honkanen (۱۸) و علی‌پور هماهنگ است (۱۰). همچنین در پژوهشی که علوی در سال ۲۰۰۷ انجام داد تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دختر و دانشجوین پسر دانشگاه‌های ایران به لحاظ شادکامی به دست نیامد (۱۹). در پژوهش حاضر نمره شادکامی با میانگین ۴۵ با یافته‌های پژوهش‌های علی‌پور و نوربالا با میانگین ۴۵/۸ (۱۰) و پژوهش عابدی و میره شاه شجاعی با میانگین ۴۴/۴ (۲۰) مطابقت دارد. Diener و همکاران معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است (۲۱) و نیز در مطالعه Fujita و همکاران که در ۱۶ کشور مختلف با ۱۷۰۰۰۰ آزمودنی بررسی

از مجموع ۳۲۰ آزمودنی که مورد بررسی قرار گرفتند ۱۲۵ نفر (۳۹/۰۶ درصد) دانشجوی پسر و ۱۹۵ نفر (۶۰/۹۴ درصد) دانشجوی دختر بودند. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که میانگین نمره شادکامی به تفکیک جنس در پسران  $21/33 \pm 3/5$  و دانشجویان دختر  $20/13 \pm 1/8$  بود ( $p=0/559$ ).

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ آمده است میانگین نمره شادکامی بین افراد مختلف برحسب سن، جنس، رشته تحصیلی و سهمیه و محل سکونت، وضعیت تاهل، محل تولد معنی‌دار نبود و تنها میانگین نمره شادکامی به برحسب رشته تحصیلی معنی‌دار به دست آمد ( $p=0/014$ ).

جدول شماره ۱: میانگین نمره شادکامی بین افراد مختلف

متغیر	نمره	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
جنس			
پسر	۲۱/۳۳±۳/۵		۰/۵۵۹
دختر	۲۰/۱۳±۱/۸		
محل سکونت			
بومی	۴۴/۸۹±۱۳/۸۰۱		۰/۶۱۸
غیر بومی	۴۵/۸۹±۱۵/۶۲۰		
تاهل			
متاهل	۴۵/۱۸±۱۷/۳۳		۰/۰۰۷
مجرد	۴۴/۹۷±۱۴/۴۷۷		
مقطع تحصیلی			
کاردانی	۴۶/۹۴±۱۲/۵۴		۰/۲۲۲
کارشناسی ناپیوسته	۴۴/۹۳±۱۴/۹۴۶		
کارشناسی ارشد	۴۱/۰۹±۲۴		
دکتری	۲۵/۲۹±۱		
رشته تحصیلی			
	۴۵±۱۴/۷۹		۰/۰۱۴
سن			
	۴۵±۱۴/۷۹۳		۰/۳۲۴
محل تولد			
	۴۵/۱۸±۱۱/۲۸		۰/۵۵۵
سهمیه			
	۴۵/۲۷±۱۴/۶۳		۰/۵۹۶

طبق جدول شماره ۲، سطح شادکامی برای کل نمونه‌ها نشان داد که بیشترین میزان شادکامی مربوط به سطح متوسط و کمترین میزان شادکامی مربوط به سطح عالی می‌باشد.

گردید (۲۲)، تقریباً تفاوت ناچیزی بین میزان شادمانی زنان و مردان وجود داشت. Diener و همکاران در مطالعه دیگری در سال ۲۰۰۲ دریافتند میانگین شدت عواطف زنان نسبت به مردان در یک مقیاس ۱ تا ۶ نمره‌ای می‌باشد. این ممکن است به این خاطر باشد که زنان هم روابط اجتماعی بیشتری دارند و هم در روابط اجتماعی، خود را بیشتر ابراز می‌کنند (۲۳).

میزان نشاط زنان و مردان برابر گزارش شده است. اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این نحو که با وجود شادی یکسان در زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح Diener و همکارانش در این مورد این است که زنان هم عاطفه منفی و هم عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند (۲۳). بنابراین برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. از طرف دیگر منابع شادی برای دو جنس متفاوت است. مردها بیشتر به وسیله خودشان، شغلشان و رضایت اقتصادی و زنان بیشتر به وسیله فرزندانشان و سلامتی خانواده‌شان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. زنان میزان عواطف منفی و افسردگی بیشتری را در مقایسه با مردان گزارش می‌کنند و بیش از مردان به دنبال این اختلافات بر می‌آیند. ولی با این حال مردان و زنان میزان مشابهی از رضایت کلی را گزارش می‌کنند. علت آن احتمالاً این است که زنان پذیرش بهتری نسبت به عواطف منفی خود دارند. در حالی که مردان داشتن چنین عواملی را انکار می‌کنند (۲۴).

اما در پژوهشی که Francis و همکاران در کشورهای کانادا، آمریکا، انگلستان و استرالیا انجام داده‌اند، میانگین نمره‌های شادکامی دختران ۳۲ و شادکامی پسران ۴۲ به دست آمده است (۲۵). حال آن‌که در تحقیق حاضر میانگین نمره شادکامی دختران ۴۴/۴ و شادکامی پسران ۴۵/۳ به دست آمد که به عبارت دیگر میانگین نمره شادکامی دختران در ایران بالاتر از کشورهای کانادا، آمریکا، انگلستان و استرالیا می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌داری

بین شادکامی و سن وجود ندارد. حال آن‌که Bradburn (۲۶) براساس تحقیقی دریافت ۳۸ درصد افراد در ۲۱ سالگی، خود را بسیار شاد توصیف می‌کنند، در حالی که ۳۱ درصد افراد در ۳۰ سالگی و ۳۰ درصد کسانی که در ۴۵ سالگی به سر می‌برند، چنین احساسی را بیان کرده‌اند. تنها ۸ درصد افرادی که در بیست سالگی به سر می‌برند، به طور نسبی شاد نیستند. این میزان هر ۱۰ سال افزایش می‌یابد و برای افرادی که در ۵۰ سالگی به سر می‌برند به ۱۷ درصد می‌رسد. بر اساس بررسی‌های مختلف رضایت‌مندی و عاطفه به نسبت افزایش سن، کمی افزایش می‌یابد و عاطفه منفی با افزایش سن، کاهش می‌یابد و این هر دو مورد در مردان بیشتر است (۲۷).

یافته‌های به دست آمده از تحقیق نشان داده که بین میزان شادکامی دانشجویان بومی و غیر بومی تفاوت معنی‌داری به لحاظ شادکامی وجود ندارد ( $p=0/55$ ) نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیق خسروی و همکاران (۸) و نیز پژوهش عابدی (۲۰) همخوانی دارد، چرا که آنان نیز تفاوت معنی‌داری را بین دانشجویان بومی و غیر بومی بدست نیاوردند.

از بررسی به عمل آمده در مورد ارتباط میزان شادکامی افراد متأهل، یافته‌ها نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین میزان شادکامی و تاهل وجود ندارد که این تحقیق با نتایج به دست آمده Mastekaasa (۲۸) و عابدی و همکاران (۲۰) مغایرت دارد. آنان دریافتند که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد و افراد متارکه کرده از شادکامی بیشتری برخوردارند (۲۰). پژوهش‌های متعددی حاکی از این است که افراد متأهل شادتر از افراد مطلقه، مجرد، متارکه کرده و یا همسر از دست داده می‌باشند، هم‌چنین متأهلان دارای فرزند، شادتر از متأهلان بدون فرزند هستند. ازدواج به لحاظ تجربه عواطف مثبت، منافع بیشتری برای مردان در بر دارد ولی میزان رضایت از زندگی در بین زنان و مردان متأهل یکسان است. بسیاری از محققین معتقدند که ازدواج به

شادکامی برخوردارند. حال آن که در تحقیق عابدی و همکاران (۲۰) آمده است که ارتباط بین تحصیلات و شادی مثل ارتباط بین ثروت و شادی است. یعنی در کل نمی توان گفت هر چه تحصیلات بالاتر باشد، شادکامی بیشتر می شود. ولی از آن جا که ممکن است افراد با تحصیلات بالاتر حداقل به اندازه تامین نیازهای اساسی زندگی، در آمد داشته باشند، بنابراین کم بودن میزان شادکامی آن ها ممکن است به این دلیل نباشد. ولی در مجموع بین میزان تحصیلات و شادی ارتباط حتمی وجود ندارد.

از مجموع یافته ها و تحقیقات مشابه می توان چنین گفت که شادکامی دانشجویان به رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی بستگی دارد و متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل ارتباط معنی داری را با شادکامی نشان ندادند. بنابراین، ضروری است که در هنگام تعیین رشته، در انتخاب رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل با دقت و سواس بیشتری برخورد نموده که تا بر اساس علاقمندی دانشجو انتخاب شود.

عنوان یک سپر در برابر سختی های زندگی عمل می کند و حمایت های هیجانی و اقتصادی که ایجاد حالات مثبت می کند را ارائه می دهد. ازدواج قوی ترین اثر را بر شادکامی و سلامت روانی و جسمانی دارد و محرومیت از آن بسیار آشفته ساز است (۲۹).

یافته های این تحقیق نشان داد که بین رشته تحصیلی و شادکامی ارتباط وجود دارد که از این میان بیشترین شادکامی مربوط به رشته های بیهوشی و رادیولوژی و کمترین میزان آن مربوط به رشته فناوری اطلاعات سلامت بود. همچنین نتایج مطالعه حاضر براساس چهار گزاره عاملی نیز نشان داد که ارتباط معنی داری بین رشته تحصیلی با گزاره های عامل ۲ (حرمت خود) وجود دارد. گزاره های عامل ۳ (بهبودی فاعلی) و گزاره عامل ۵ (خلق مثبت) ارتباط معنی داری با مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی داشت. یافته های تحقیق حاضر با یافته های کرمی نوری و همکاران (۹) و عابدی و همکاران (۲۰) همخوانی دارد. پژوهش کرمی نوری نشان داد که دانشجویان رشته های انسانی از بیشترین میزان شادکامی و دانشجویان رشته های فنی و مهندسی از کمترین میزان

## References

1. Diener E. Frequently Asked Questions (FAQ's) about subjective well-being (happiness and life satisfaction): a primer for reporters and newcomers. 2007; Available at: <http://www.psych.uiuc.edu/~ediener/faq.html>. Accessed december 23, 2007.
2. Brebner J. Happiness and personality. *Pers Individ Dif* 1998; 25(2): 279-296.
3. Argyle M, Martin M, Lu L, Spielberg C, Sarason I. Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. *Stress and emotion: anxiety, anger, and curiosity*. In: Spielberger ChD, editor. Michigan: Taylor & Francis; 1995.
4. Valois RF, Zullig KJ, Huebner ES, Drane JW. Physical activity behaviors and perceived life satisfaction among public high school adolescents. *J Sch Health* 2004; 74(2): 59-65.
5. Strack F, Argyle M, Schwarz N. Subjective well-being: an interdisciplinary perspective. 1<sup>st</sup> ed. Oxford u.a.: Pergamon Press; 1991.
6. Myers DG, Diener E. Who is happy? *Psychological Science* 1995; 6(1): 10-19.
7. Kahneman D, Diener E, Schwarz N. Close relationships and quality of life. *Well-being: The foundations of hedonic psychology*. New York: Russell Sage Foundation Publications; 2003.
8. Khosravi S, Ghomrani A, Bardideh M. Factors affecting happiness among students of

- Firouzabad Azad University. School Consultant Development 2010; 6(1): 8-14 (Persian).
9. Korai Nouri R, Mocrine A, Mohammadifar M, Yazdani E. The Study of Happiness & Well Being And The Role of Different Factors For Them Among Students of Tehran University. *J Psycho Educat* 2002; 32(1): 3-41(Persian).
  10. Alipour A, Noorbala A. A preliminary evaluation of the validity and reliability of the Oxford happiness questionnaire in students in the universities of Tehran. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology (Andeeshah Va Raftar)* 1999; 5(18-17): 55-65 (Persian).
  11. Joseph S, Linley PA. Positive therapy: A positive psychological theory of therapeutic practice. In: *Positive psychology in practice*. New Jersey, USA: John Wiley & Sons, Inc.; 2004.
  12. Bostic TJ, Ptacek J. Personality factors and the short-term variability in subjective well-being. *JOHS* 2001; 2(4): 355-373.
  13. Argyle M, Martin M, Crossland J. Happiness as a function of personality and social encounters. In: Forgas JP, Innes JM, (Eds), *Recent advances in social psychology: An international perspective*. North Holland: Elsevier Science Publishers; 1989: 189-203.
  14. Carr A. *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. 1<sup>st</sup> ed. London: Brunner-Routledge; 2004.
  15. Alipour A, Agah Hheris M. Reliability and Validity of the Oxford Happiness Inventory among Iranians. *Developmental Psychology. J Iran Psych* 2007; 3(12): 287-298(Persian).
  16. Gambrill ED, Richey CA. An assertion inventory for use in assessment and research. *Behavior Therapy* 1975; 6(4): 550-561.
  17. Argyle M, Lu L. The Happiness of Extraverts. *Pers indiv Differ* 1990; 11(10): 1011-1017.
  18. Koivumaa-Honkanen H, Kaprio J, Honkanen R, Viinamäki H, Koskenvuo M. The stability of life satisfaction in a 15-year follow-up of adult Finns healthy at baseline. *BMC Psychiatry* 2005; 5(1): 4.
  19. Alavi HR. Correlatives of happiness in the university students of Iran (a religious approach). *J Relig Health* 2007; 46(4): 480-499 (Persian).
  20. Abedi MR, Mirshah Jafari SE, Liaghatdar MJ. Standardization of the Oxford Happiness Inventory in Students of Isfahan University. *IJPCP* 2006; 12(45): 95-100(Persian).
  21. Diener E, Oishi S, Lucas RE. Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life. *Annu Rev Psychol* 2003; 54(1): 403-425.
  22. Fujita F, Diener E, Sandvik E. Gender differences in negative affect and well-being: The case for emotional intensity. *J Pers Soc Psychol* 1991; 61(3): 427-434.
  23. Diener E, Biswas-Diener R. Will money increase subjective well-being?. *Soc Indicators Res* 2002; 57(2): 119-169.
  24. Eddington N, Shuman R. *Subjective well being*. Austin: Continuing Psychology Education; 2004.
  25. Francis LJ, Brown LB, Lester D, Philipchalk R. Happiness as stable extraversion: A cross-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford Happiness Inventory among students in the UK, USA, Australia and Canada. *Pers Individ Differ* 1998; 24(2): 167-171.
  26. Bradburn NM. *The structure of psychological well-being*. Chicago: Aldine; 1969.
  27. Moreau M, Mendick H, Epstein D, editors.

Mathematical futures or domestic happiness: constructions of mathematicians' working and domestic lives in popular culture and schools. The Gender, Work and Organization conference; 2007; Keele Keele University.

28. Mastekaasa A. Marital status, distress, and well-being: An international comparison. *J Comp Fam Stud* 1994; 25.
29. Bond M. The pursuit of happiness. *New Scientist* 2003; 179(2415): 40-43.